



## دل نوشته دختر شهید واقف عبدالله اف در صفحه فیس بوک

دختر شهید عبدالله اف ؛ هر وقت صدای کوبیده شدن در منزل می آید، فکر می کردم پدرم است، او همیشه عاشق غافلگیر کردن بود،

آران نیوز\_ امیلیا دختر شهید واقف عبدالله اف با انتشار تصویر پدر شهیدش در کنار تصویر حاج محسن صمداف چنین نوشته است: پنجمین سال بی پدری! آیا در طول این مدت فقط اشک ریختم؟ نه خیر، دروغ است اگر بگویم بله، صحبت نیز کردیم، شوخی هم کردیم، اما در میان این خنده ها و صحبت ها ، ناگهان پدرم یادم می افتاد و انگار خنجرى در قلبم فرو می شد، چرا دیگر پدرم نیست؟!

هر وقت صدای کوبیده شدن در منزل می آید، فکر می کردم پدرم است، او همیشه عاشق غافلگیر کردن بود، به بهانه خرید از خانه بیرون می رفت و در مسیر به خانه من و خواهرم می آمد و بهانه می کرد که دلتنگتان شدم، آنوقت برادرم تشکیل خانواده نداده بود، و مادرم چشم انتظار می ماند که پدرم سیب زمینی و پیاز برایش بخرد و ببرد. پدرم از خانه خواهرم به منزلشان زنگ می زد و می گفت : برای خودتان چاره ای کنید ، من مهمان فرزندانم هستم. الان با یاد آوری این خاطرات هم خنده ام می گیرد و هم چشم هایم بارانی می شود.

اما باز خوشبختم. چرا که با بهترین و مهربانترین پدر دنیا با اینکه مدت زمانی کمی بود، باز هم یکجا زندگی کردم، این مدت زمان کوتاه زندگی با پدرم، یک عمر خاطرات خوب را برای ما در پی دارد. هر چند دوران سختی در زندگی داشت ولی خداوند خواسته دل آن را در پایان عمرش عطا کرد. پدرم همیشه زندگی را بخاطر خدا ادامه می داد و مرگش را نیز در رضای خدا طلب می کرد و خداوند نیز این خوشبختی را نصیب وی کرد. خداوند رحمتت فرماید. نور الهی برای شما باد. خاطر نشان می شود این دل نوشته در فیس بوک، از سوی کاربران با کامنت های مختلف از جمله بیان خاطرات شیرین از حاج واقف همراه بود.